حضورهای ایرانی در آمستردام

دو فیلم بلند سینمایی و یک انیمیشن کانون پرورش فکری به سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان (Cinekid) آمستردام هلند راه یافت. انیمیشن قدم یازدهم به کارگردانی مریم کشکولی‌نیا در بخش مسابقه و فیلم‌های بلند سینمایی اقیانوس پشت پنجره ساخته بابک نبی‌زاده و دوچ به کارگردانی امیر مشهدی‌عباس در بخش نمایش ویژه (ScreeningClub) این دوره از جشنواره فیلم آمستردام انتخاب شدند. / تسنیم

تمدید تعطیلی تئاتر برادوی

بازگشایی سالن‌های تئاتر برادوی بعد از تعویق چندباره به علت همه‌گیری ویروس کرونا، تا ماه می ۲۰۲۱ عقب افتاد. با اعلام لیگ برادوی تمام بلیت‌فروشی اجراهای برادوی در نیویورک تا ۳۰ می ۲۰۲۱ (۹ خرداد ۱۴۰۰) به حالت تعلیق درآمده است. تمامی ۴۱ سالن تئاتر برادوی از ۱۲ مارس به دلیل پاندمی کرونا بسته شده بودند و حالا بعد از تعویق چندباره برنامه بازگشایی، تعطیلی برادوی تمدید شده است. / باشگاه خبرنگاران جوان

این قوم به «کج» رفته!

چرا کاربران ایرانی پس از درگذشت استاد شجریان در صفحه ویکی‌پدیای انگلیسی، تاریخ تولد فردوسی را تغییر دادند؟

درگذشت استاد محمدرضا شجریان مثل فوت هر هنرمند بزرگی در جهان حواشی خاصی نیز به دنبال داشت. اولین نکته جالب توجه در این خصوص درگذشت شجریان در روز اربعین بود که برای شیعیان مفهوم خاصی را به ذهن متبادر می‌کند و روز بزرگی‌ست. از این گذشته در حال حاضر بحثی در باب سال تولد استاد شجریان و فردوسی، شاعر حماسه‌سرای فارسی و خالق شاهنامه مطرح شده است. کاربران فضای مجازی یکی دو روزی می‌شود که با اشاره به فاصله هزارسالی بین سال تولد فردوسی و شجریان، این نکته را دلیلی بر بزرگی جایگاه آوازه‌خوان شهیر موسیقی ایرانی می‌دانند. حتی از دیروز تصویری در فضای مجازی منتشر شد که گویا تعدادی از کاربران ایرانی فضای مجازی به صفحه ویکی‌پدیای انگلیسی رفته‌اند و سال تولد فردوسی را به گونه‌ای تغییر داده‌اند تا فاصله سال تولد فردوسی و شجریان به تاریخ میلادی، دقیقا ۱۰۰۰ سال شود!

به صفحه ویکی‌پدیای انگلیسی که سرمی‌زنیم دو تاریخ به عنوان تاریخ تولد فردوسی در آن به چشم می‌خورد؛ اولی سال ۹۳۵ است که منبع آن دانشنامه بریتانیکاست و دومی ۹۴۰ است که به نقل از دانشنامه ایرانیکا نقل شده است. وقتی سراغ صفحه زنده‌یاد محمدرضا شجریان در همین سایت می‌رویم در قسمت تاریخ تولد، ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۰ درج شده که درست هم هست. با احتساب نقل دانشنامه ایرانیکا فاصله سال تولد این دو بزرگ، هزار سال است و با احتساب دانشنامه بریتانیکا خیر! حالا در این میان عده‌ای تاریخ را تغییر داده یا نداده باشند، نقل دو دانشنامه مهم تاریخ فرهنگ ایران این‌گونه است.

اما سوال اینجاست که اگر فاصله تولد فردوسی با شجریان ۱۰۰۰ یا ۹۹۹ سال باشد، چه فضلی بر این استاد مسلم موسیقی ملی کشور ما افزوده یا از آن کاسته خواهد شد؟ آیا مثلا اگر فردوسی سال ۹۴۰ به دنیا نیامده باشد و مثلا در ۹۳۵ به دنیا آمده باشد، آن‌وقت شجریان خالق «ببار ای بارون ببار» و «گلچهره مپرس» و «نوامرکب خوانی» نیست؟! باید دانست که محمدرضا شجریان اگر امروز به عنوان استاد مسلم موسیقی شناخته می‌شود و جایگاه مهمی در تاریخ فرهنگ و هنر ایران‌زمین دارد، به خاطر فاصله هزارسالی سال تولدش با فردوسی نیست؛ بلکه به خاطر جهان‌بینی و درک بالایش از هنر است که اتفاقا ریشه در فهم درست ذهن و زبان فردوسی و دیگران شاعران بزرگ زبان فارسی دارد. مساله دیگر آن است که بزرگانی چون فردوسی، خیام، سعدی، حافظ، بیهقی و در دوران معاصر اخوان‌ثالث، شجریان، شفیعی‌کدکنی، نیما یوشیج و دیگران اساسا تمام عمر را مشغول کار و فعالیت‌اند تا مردم از نگاه‌های زرد و مبتذل این چنینی پرهیز کنند و به کنه و عمق هنر و روح جاودان آن دست یابند. دریغ و درد که درباره همین بزرگان که عمر خود را صرف تفهیم این معنا کردند نیز روزگار و مردمانش چنین می‌کنند!

نگاهی به فیلم سینمایی بی‌حسی موضعی که اثری جدید در گونه ابزورد به حساب می‌آید

وقتی نمی‌دانیم به چه می‌خندیم

فرهاد خالدی‌نیک
روزنامه‌نگار

«بی‌حسی‌موضعی» سومین اثر سینمایی حسین مهکام در مقام کارگردان است. مهکام که پیش‌تر به عنوان فیلمنامه‌نویس شناخته می‌شد، بی‌حسی‌موضعی را با فیلمنامه‌ای به قلم خودش و به تهیه‌کنندگی حبیب رضایی ساخته و این روزها روانه اکران آنلاین کرده است. در این مجال قصد داریم نگاهی بیندازیم بر این فیلم کم‌وبیش متفاوت که واکنش‌های متفاوتی را برانگیخته است.

در بی‌حسی‌موضعی با قصه‌ای مشخص و منسجم مواجه نیستیم. در واقع چند شخصیت را می‌بینیم که در موقعیت‌های ویژه‌ای گردهم آمده و قصه غیرخطی فیلم را پیش می‌برند. فیلمی متعلق به سینمای ابزورد با شخصیت‌هایی که در برابر اتفاقاتی غیرمعمولی، خونسرد هستند و واکنش‌های مرسوم را ندارند. عنوان فیلم نیز از همین خصوصیات ذاتی یا اکتسابی شخصیت‌ها می‌آید. این چنین است که وقتی شخصیت شاهرخ (پارسا پیروزفر) با شیشه شکسته ماشینش مواجه می‌شود آنچنان که انتظار می‌رود عصبانی نمی‌شود و درگیری خاصی میان شخصیت‌ها در نمی‌گیرد یا وقتی شخصیت ناصر (حسن معجونی)، جلال (حبیب رضایی) را پس از ترک رستوران و نپرداختن دانگ غذایش می‌بیند، آن‌قدر راحت برخورد می‌کند که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است.

فیلم از این منظر موفق است. از جهت خلق آدم‌هایی که در این فضای ابزورد، واکنش‌هایی از سر پوچی یا بی‌خیالی دارند که با فضای جفنگ فیلم همخوانی دارد.

در جست‌وجوی شخصیت

اما آیا این آدم‌ها به شخصیت تبدیل شده‌اند؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال نمی‌تواند مثبت باشد؛ چراکه فیلم سعی نمی‌کند ابعاد شخصیتی کاراکترهای اصلی را بشکافد و مخاطب چیزی جز کنش‌ها و واکنش‌های ایشان و دیالوگ‌های آن‌ها خطاب به یکدیگر را نمی‌بیند. در چنین شرایطی پنج کاراکتر اصلی فیلم در حد تیپ‌هایی بامزه و غیرمعمول باقی می‌مانند و در واقع شخصیتی خلق نمی‌شود. بی‌حسی‌موضعی در واقع فیلم موقعیت است و چیزی که بیش از شخصیت‌های فیلم اهمیت دارد، موقعیت‌هایی است که این شخصیت‌ها در آن گرفتار می‌شوند، اما آیا موقعیت‌های شکل‌گرفته و به‌تصویر درآمده این قابلیت را دارند که فیلم را نجات دهند؟

کمدی موقعیت

بی‌حسی‌موضعی فیلمی است که سنگ بنایش بر پایه موقعیت‌هایی گذاشته شده که کاراکترهای مختلف در آن حضور دارند و قرار است از دل همین موقعیت‌ها درام فیلم به جلو برود، اما مشکل اصلی این است که این موقعیت‌ها آنطور که انتظار می‌رود گزنده و تاثیرگذار نبوده و موقعیت‌هایی هستند که برخی خصوصیات اخلاقی شخصیت‌ها نظیر خسیس‌بودن یا مشکلات روحی و روانی آن‌ها را برملا می‌کنند و حتی در لحظاتی بامزه هم به نظر می‌رسند ولی خنثی و پوچ می‌نمایند. درست است که سینمای ابزورد بر پایه پوچی روابط آدم‌ها استوار است و از دل موقعیت‌های جفنگ است که فضای فیلم شکل می‌گیرد، اما این پوچی باید با نوعی آگاهی‌بخشی و نقد اجتماعی همراه باشد. آگاه‌کردن مخاطب از شرایطی که احتمالاً سرشار از نابسامانی است و فضای سرخوشانه فیلم قرار است به نوعی از تلخی و گزندگی این شرایط بکاهد. نقد مشکلات و معضلاتی که گریبانگیر شخصیت‌ها شده و مخاطب توسط آن‌ها می‌تواند با قصه و شخصیت‌های فیلم همذات‌پنداری کند. بی‌حسی موضعی اما تهی از این خصوصیات است. هر چه بیشتر در آن ریز می‌شویم به کمتر موقعیتی برمی‌خوریم که موضوع حادی را زیر ذره‌بین برده یا دردی اجتماعی را به بوته نقد کشیده باشد. در صحنه‌ای از فیلم سه شخصیت اصلی را می‌بینیم که در سالن سینمایی خالی از تماشاگر به تماشای فیلمی نشسته‌اند. سالنی که در سانس فوق‌العاده، خالی از تماشاگر است که باعث شوخی کنایه‌آمیز یکی از شخصیت‌ها می‌شود. طنزی ظریف که کاش مشابه‌اش در موقعیت‌های دیگر فیلم نیز به چشم می‌آمد.

بازیگران فیلم

فیلم، پنج شخصیت و بالطبع پنج بازیگر اصلی دارد؛ پنج بازیگری که هر کدام به شکلی به نقش و حال‌وهوای فیلم نزدیک شده و باورپذیر از آب درآمده‌اند. از حبیب رضایی در قالب شخصیت جلال گرفته تا سهیل مستجابیان و حسن معجونی، هر کدام انگار به نوعی با تاروپود فیلم عجین شده‌اند. این چنین است حضور باران کوثری که شخصیت ماری را با آن نشانه‌هایی که از بیماری خاص روحی و عصبی وی ناشی می‌شود به شکلی باورپذیر بازی می‌کند. با این همه یکی از بهترین بازی‌های فیلم را باید به نام پارسا پیروزفر نوشت. بازیگری که پس از سال‌ها دوری از پرده نقره‌ای سینما با ایفای نقش شاهرخ بازگشتی شکوهمند دارد و نشانه‌هایی آشکار از توان و هنر بازیگری‌اش را نشان می‌دهد. بازیگری که هنوز موفق نشده به آن چیزی که لیاقتش در سینمای ایران است، دست یابد. یک چهره دیگر نیز در بی‌حسی‌موضعی می‌درخشد؛ چهره‌ای که گرچه تنها با صدایش در طول فیلم حضور دارد ولی این حضور آنقدر پررنگ است که بخشی از شوخی‌های بامزه فیلم را دربرمی‌گیرد. محمد بحرانی در قالب یک گزارشگر فوتبال در شبی کاملا فوتبالی همراه و همگام با شخصیت‌ها پیش می‌رود و در جاهایی حتی از بازیگران اصلی فیلم جلو می‌زند و بیش از آن‌ها توجه مخاطب را جلب می‌کند.

تکمله

با تمام این اوصاف باید ساخت فیلم‌هایی نظیر بی‌حسی‌موضعی را به فال نیک گرفت. فیلم‌هایی که با ساختاری متفاوت، سعی می‌کنند مخاطب را به سالن‌های سینما بکشانند و همچنان چراغ سینماها را روشن نگه‌دارند. فیلم‌هایی که مثل بسیاری از کمدی‌های بی‌سر و ته این سال‌ها، بی‌ارزش و اعصاب خردکن نیستند و می‌خواهند با خلق و اجرای ایده‌هایی تازه، فرمول‌های جدیدی برای نجات این سینما ارائه کنند.

> باید ساخت فیلم‌هایی نظیر بی‌حسی‌موضعی را به فال نیک گرفت. فیلم‌هایی که با ساختاری متفاوت، سعی می‌کنند مخاطب را به سالن‌های سینما بکشانند

ضمایر [من]

به کودکان شلیک نکنید

گلایه‌های انسیه شاه‌حسینی از مشکلات مالی سینماگران

انسیه شاه حسینی، کارگردان سینمای جنگ و دفاع مقدس که فیلم‌هایی چون شب بخیر فرمانده و زیباتر از زندگی را در کارنامه دارد، چند سالی است که مترصد فرصتی برای ساخت فیلمی به نام «به کودکان شلیک نکنید» است، اما شرایط و امکانات ساخت آن فراهم نمی‌شود. شیوع کرونا هم در این زمینه مزید بر علت شده که شاه‌حسینی تا این لحظه موفق به ساختن این فیلم نشود. این فیلم هنوز در مرحله پیش تولید قرار دارد.

این کارگردان درباره وضعیت تولید فیلم به کودکان شلیک نکنید، با محوریت مقاومت گفت: من با فیلمنامه کامل، این پروژه را آماده ساخت دارم ولی مشکلات مالی، تولید را به دردسر انداخته است.

شاه‌حسینی درباره بلاتکلیفی این فیلم سینمایی به آنا گفت: به کودکان شلیک نکنید، آماده ساخت و رفتن جلوی دروبین است، البته اگر مشکلات بودجه‌ای و مالی‌اش حل شود.

او افزود: من امیدوارانه منتظر هموار شدن ماجرای مشکلات مالی و نهایتا ساخت آن هستم. گرچه باید در انتظار معجزه‌ای باشم، بلکه بالاخره با رفع این موانع بتوانم آن را جلوی دوربین ببرم.

این فیلمساز در عین حال تأکید کرد: من همه شرایط لازم از جمله فیلمنامه آماده را تدارک دیده‌ام ولی کمبود بودجه لازم فعلا مانع به حرکت انداختن آن شده است.

شاه‌حسینی گفت: به کودکان شلیک نکنید اگر ساخته شود، حتما فیلمی موفق در گیشه نیز خواهد بود، یعنی هم محتوا دارد و هم تضمینی برای فروش. به شرط این‌که مدیران ما کمک به چنین پروژه‌هایی را مورد توجه و برنامه‌ریزی خود داشته باشند.

پروانه ساخت به کودکان شلیک نکنید سال ۹۵ صادر شده و در صورت تولید به زبان عربی و ترکیبی از بازیگران ایرانی و خارجی جلوی دوربین می‌رود. ایران و کشورهای عربی منطقه لوکیشن‌های درنظر گرفته شده برای ضبط فیلم هستند. آخرین ساخته شاه‌حسینی، «زیباتر از زندگی» فیلمی به تهیه‌کنندگی سعید سیدزاده با روایتی از زندگی شهیدحسین علم‌الهدی بود که در جشنواره سی و یکم فجر به نمایش درآمد. انسیه شاه‌حسینی درحالی با مشکلات مالی برای فیلم به کودکان شلیک نکنید، دست و پنجه نرم می‌کند که به عنوان یکی از بهترین کارگردانان سینمای جنگ و دفاع‌مقدس امتحان خود را پس داده است. او در ضمن از معدود کارگردان‌های زن سینما و شاید تنها فیلمساز خانم باشد که سال‌هاست به‌طور مستمر در این گونه سینمایی فعالیت می‌کند.

عدد سوم

۱۵۶

دوره آنلاین متون کودک و نوجوان

...ا... فروغی، دبیر انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان از برگزاری نخستین دوره آنلاین نگارش و ویرایش متون کودک و نوجوان خبر داد و گفت: این دوره‌ها در ۷۸ جلسه شامل ۱۵۶ ساعت پیش‌بینی شده‌است که از ۱۷ آبان امسال روزهای زوج برگزار خواهد شد. او با بیان این‌که مدت دوره ۲۰ هفته است، افزود: ۹ موضوع مختلف در ۹ دوره پیش‌بینی شده‌است / ایبنا

عدد چهارم

۱۳۶

مستندهای کرونایی در سینماحقیقت

با شیوع بیماری کووید-۱۹ در ایران، جمعی از مستندسازان حضوری موثر در ثبت و ضبط این پاندمی داشتند که نتیجه تلاش چند ماهه آنها، ساخت ۱۳۶ فیلم مستند با موضوع کروناست که به دبیرخانه چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت ارائه شده‌است. بخش ویژه این دوره جشنواره به مستندهای کرونایی اختصاص‌یافته تا فیلم‌هایی برگرفته از این موضوع و تاثیرات آن بر جامعه، انتخاب، داوری و به معرض نمایش گذاشته‌شوند. / جام‌جم دیلی

تمدید روز

تعطیلی مراکز فرهنگی - هنری تهران

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صنوف همکار براساس مصوبه جدید ستاد مقابله با کرونای تهران از محدودیت‌های اعمال شده در پایتخت برای مقابله با بیماری کرونا تبعیت و به مدت یک هفته دیگر تعطیلی مراکز فرهنگی - هنری را تمدید کرد. بنابر اعلام ستاد مقابله با کرونای تهران مراکز محل تجمع همچون سینماها، کتابخانه‌ها، سالن‌های نمایش، آموزشگاه‌های هنری و... به مدت یک هفته دیگر یعنی از ۱۹ تا ۲۵ مهرماه تعطیل خواهد بود. / فارس

فیلمنامه به نتیجه‌ای نرسید و کل کار تولید فیلم به قفسه بایگانی سپرده شد. با این حال، صنعت سینما در سال ۲۰۱۱ فیلمی سینمایی در این رابطه با بازی ست زوگن و جی چو تولید کرد. این فیلم نه‌تنها نتوانست نظر مثبت منتقدان را جلب کند، بلکه در جدول گیشه نمایش هم شکست سختی خورد. همین نکته باعث شد تا صنعت سینما دیگر سراغ داستان مصور گرین هورنت نرود. اسمیت گفته مجموعه تلویزیونی او، داستان و ماجراها را به زمان حال منتقل می‌کند و حال و هوایی معاصر خواهد داشت. شنیده می‌شود در داستان مجموعه او، ابرقهرمان ماجرا و دستیارش کاتو حضور ندارد. در اینجا، فرزندان این دو شخصیت هستند که ماجراجویی‌های پدران خود را دنبال خواهند کرد، اما این موضوع از سوی اسمیت هنوز تایید نشده‌است.

او در مصاحبه‌ای در ارتباط با ساخته تازه‌اش گفت: «برایم افتخار بسیار بزرگی است که بتوانم داستان دو شخصیت افسانه‌ای دنیای ابرقهرمانانه را به شکلی کارتونی به تصویر بکشم. این دو شخصیت در حال حاضر تبدیل به بخشی از فرهنگ عمومی مردم عادی شده‌اند و جایگاه خاصی در این فرهنگ دارند. تلاشم این است که نسل جوان را با داستان آنها آشنا کنم. به باور من، گرین هورنت چیزی کمتر از بتمن و سوپرمن و اسپایدرمن و بقیه ابرقهرمانان معروف تاریخ داستان‌های مصور ندارد و باید روی پرده سینما و قاب کوچک تلویزیون، شاهد ماجراجویی‌های بیشتر شخصیت‌های آن باشیم.» هنوز زمانی برای شروع کار گرین هورنت انیمیشنی اسمیت تعیین نشده و اطلاعی از زمان پخش آن هم در دست نیست. / ددلاین

کتاب [عطف]

عاشقانه‌ای داستانی از جنگ

«صفر مطلق» رمان عاشقانه و متفاوتی است که نگاهی خاص به جنگ دارد. در این رمان با مستند جنگ و صحنه‌های تلخ و دردناک جبهه روبه‌رو نیستیم، بلکه فضای داستان پوششی از زندگی مردم رنجدیده است که ناخواسته گرفتار جنگی سرکش شده‌اند. معصومه باقری، نویسنده این اثر در گفت‌وگو با فارس درباره آن اظهار کرد: صفر مطلق، رمانی است که به تازگی از سوی نشر پایتخت منتشر شده است. این کتاب، رمانی عاشقانه و متفاوت است که نگاهی خاص به جنگ دارد. در این رمان با مستند جنگ و صحنه‌های تلخ و دردناک جبهه روبه‌رو نیستیم، بلکه فضای داستان پوششی از زندگی مردم رنجدیده است که ناخواسته گرفتار جنگی سرکش شده‌اند.
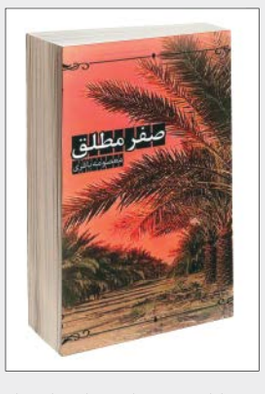
این نویسنده ادامه داد: در بین فصل‌های کتاب، مسلم شخصیت نوجوان رمان به جبهه می‌رود و تصاویری که ما در صحنه جنگ ملاحظه می‌کنیم، لحظاتی کوتاه و گاهی بلند از رشادت‌ها و قهرمانی‌های مسلم و دیگر رزمندگان غیور است. در واقع نوع نگارش این نویسنده از جنگ فرق می‌کند و در آن بیشتر به زندگی مردم عادی پرداخته است. باقری در بخش دیگری از سخنانش با بیان این‌که صفر مطلق، رمانی با غنای معرفتی و در سبک نگارش رئالیسم ظاهری معناگراست، توضیح داد: ساختار رمان، گرایش واقع‌گرایانه همراه با اندیشه‌های ملموس دارد. خواننده در متن کتاب و دیالوگ‌ها با خسارت‌ها، تلخی‌ها، از دست دادن‌ها، ویرانی‌ها و حملات وحشتناک ناشی از جنگ آشنا می‌شود و ناخواسته روی سرنوشت شخصیت‌ها متمرکز می‌شود که هر کدام به صفر می‌رسند. رمان صفر مطلق از سوی انتشارات شانی منتشر شده است.